

The Impact of Social Reaction Criminology Findings on Iranian Criminal Law with a Look at Jurisprudential Teachings

Soheila Ebrahimzadeh: Department of Criminal Law and Criminology, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran. Soheila.ebrahimzade@iau.ir

Abstract

The present study aims to examine the impact of social response criminology findings on Iranian criminal law, and examines institutions that are inspired by these findings. By distancing themselves from classical criminal law, it is based on the reform and rehabilitation of criminals and the removal of minor crimes from the cycle of criminal prosecution in order to avoid labeling and preserve individual and social interests. Also, by examining jurisprudential sources, the present study searches for and reveals the traces of these findings in jurisprudential teachings that are much older than the science of criminology. Considering the nature of the study, which is a theoretical research, in this descriptive-analytical study, we have used the library method for collecting information.

Keywords: Criminology, social reaction, criminal law, secondary deviance, labeling.

Received: ۲۰۲۳/۰۶/۱۰ ; **Revised:** ۲۰۲۳/۰۹/۲۷ ; **Accepted:** ۲۰۲۳/۱۰/۲۳; **Published online:** ۲۰۲۳/۱۲/۳۱

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر حقوق کیفری ایران با نگاهی به آموزه‌های فقهی

سهیلا ابراهیم زاده: گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.
Soheila.ebrahimzade@iau.ir

چکیده:

تحقیق پیش رو با هدف بررسی تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر حقوق کیفری ایران، به بررسی نهادهایی می‌پردازد که ملهم از این یافته‌ها بوده و با فاصله گرفتن از حقوق کیفری کلاسیک، بر اصلاح و بازپروری بزهکاران و خارج ساختن جرایم کم‌اهمیت از چرخه تعقیب کیفری به منظور اجتناب از برجسب‌زنی و حفظ مصالح فردی و اجتماعی استوار است. هم‌چنین تحقیق حاضر با بررسی منابع فقهی، رد پای این یافته‌ها را، در آموزه‌های فقهی که قدمتی بسیار بیشتر از دانش جرم‌شناسی دارد جست و جو و آشکار می‌سازد. با توجه به ماهیت تحقیق که در زمره تحقیقات نظری قرار دارد، در این پژوهش که از نوع توصیفی-تحلیلی است از روش کتابخانه‌ای در خصوص جمع‌آوری اطلاعات بهره برده‌ایم.

واژگان کلیدی: جرم‌شناسی، واکنش اجتماعی، حقوق کیفری، انحراف ثانویه، برجسب‌زنی

نوع مقاله: مقاله پژوهشی
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم © نویسندگان
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۰ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۷/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰



مقدمه

نظریات جرم‌شناختی واکنش اجتماعی با هدف انتقاد به نظریه‌های جرم‌شناسی کلاسیک، پا به عرصه ظهور گذاشتند. این جرم‌شناسی‌ها مطالعات خود را به فرآیند جرم‌انگاری نیز تسری داده و برخلاف جرم‌شناسی‌های کلاسیک که علل جرم را محدود به مسائل زیستی و روانی مرتکب و محیط پیرامون او می‌دانند واکنش‌های اجتماعی، تعاملات درون‌جامعه و خصوصاً نحوه عملکرد نظام عدالت کیفری را عاملی مؤثر در ارتکاب جرم و موجد بزهکاری ثانویه، هویت مجرمانه و حتی در مواردی حرفه بزهکارانه معرفی می‌نمایند. نظریه مذکور تأثیر واکنش اجتماعی رسمی و غیررسمی را در علت‌شناسی جرم با نگاهی متفاوت به مقوله جرم به نمایش گذاشت. یکی از مهم‌ترین شاخه‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی نظریه برچسب‌زنی است که انتقادی شدید به نظریات کلاسیک جرم‌شناسی محسوب می‌شود. نظریه برچسب‌زنی برای واکنش‌های اجتماعی، نقشی بسزا در ایجاد و به‌ویژه تکرار جرم و حرکت به سمت هویت و حرفه مجرمانه قائل می‌شود. نگرش جامعه و واکنش‌های آن به جرم و رفتار مجرمانه تأثیر زیادی بر حقوق کیفری دارد. مثلاً، در برخی موارد، فشار عمومی ممکن است به تشدید مجازات‌ها منجر شود، در حالی که در موارد دیگر، تمایل به حمایت از مجرمان و اصلاح آنان بیشتر است. تأکید بر تعامل با مجرم به جای فقط تنبیه او، در این نظریه مورد توجه قرار گرفته است. در برخی موارد، این رویکرد می‌تواند منجر به استفاده از روش‌های جدیدی از جمله تعلیق مجازات‌ها، حمایت از برنامه‌های بازسازی و اصلاح و ایجاد فرصت‌های بهبود جامعه شود.

این نظریه را می‌توان از بُعد آموزه‌های اسلامی که نقش مهمی در شکل‌دهی به قوانین و سیاست‌های کیفری ایران داشته و دارد نیز مورد بررسی قرار داد. حقوق کیفری ایران به عنوان یک کشور با سند اساسی اسلامی، بر پایه اصول و ارزش‌های اسلامی تدوین شده است. آموزه‌های اسلامی بر عدالت اجتماعی و اهمیت حفظ حقوق انسانی همه افراد تأکید دارند. این مسئله می‌تواند به تعدیل واکنش‌های اجتماعی منجر شود. اسلام به دنبال اصلاح مجرمان و تربیت آن‌ها، به جای تنها تنبیه آن‌هاست. این مفهوم واکنش اجتماعی در حقوق کیفری اسلامی به وضوح دیده می‌شود و می‌تواند به تدوین سیاست‌های تربیتی و بازسازی جامعه کمک کند.

تحقیق حاضر از نظر ساختاری پس از تبیین بنیان‌های نظری جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، ابتدا تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران و سپس تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر قانون مجازات اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت تأثیر آموزه‌های اسلامی بر تدوین قوانین کیفری و شکل‌دهی به تأثیرات یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی مورد مذاقه و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که قوانین کیفری ایران متأثر از آموزه‌های اسلامی و یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، از رویکرد کلاسیک حقوق کیفری فاصله گرفته و در کنار سزادهی، بر حفظ مصالح فردی و اجتماعی و پیشگیری از تکرار جرم از طریق ساز و کارهای فقهی و جرم‌شناسانه مبتنی است.

گفتار اول: بنیان‌های نظری جرم‌شناسی واکنش اجتماعی^۱

جرم‌شناسی واکنش اجتماعی شاخه‌ای از جامعه‌شناسی جنایی است که دوربین مطالعاتی خود را از بزه‌دیده و مجرم برداشته و به روی نهادهایی که متولی مبارزه با جرم هستند قرار می‌دهد. جرم‌شناس در این نظریه بزه‌کار را یک کنشگر می‌داند، اما کنشگری که واکنش نهادهای دولتی او را تحت شعاع خود قرار می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۹۰، ۱۳۹۱).

این حوزه تحقیقاتی در جرم‌شناسی به طور خاص به بررسی رابطه و تأثیرات میان واکنش‌های اجتماعی و ارتکاب جرم توسط افراد پرداخته است. طرفداران این نظریه معتقدند واکنش‌های اجتماعی می‌تواند جرم‌زا باشد. بنابراین برای ریشه‌یابی علل وقوع جرم به جای بررسی علل زیستی، روانی و محیطی، نهادهای متولی پاسخگویی و مهار بزهکاری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبحث اول: نظریه انحراف اولیه و انحراف ثانویه^۲

به موجب این نظریه رفتار مجرمانه بر واکنش‌های اجتماعی مبتنی است. در این نظریه ما شاهد دو مفهوم انحراف اولیه و انحراف ثانویه هستیم (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۹۳). گاهی فرد به اعمال انحرافی دست می‌زند اما این انحراف ممکن است گذرا و تصادفی باشد. به این حالت انحراف نخستین یا ابتدایی گفته می‌شود. چنانچه انحراف نخستین با واکنش‌های اجتماعی (مانند واکنش متولیان تعقیب کیفری یا واکنش آشنایان) مواجه شود امکان تبدیل انحراف ساده نخستین به رفتار مجرمانه نهادینه‌شده یا همان انحرافات دومین وجود خواهد داشت.

تعامل‌گرایان با ارائه نقشی که نهادهای کیفری و نگرش اطرافیان بزه‌کار می‌تواند در تکرار جرم داشته باشد، فروغی تازه به جرم‌شناسی سنتی بخشیده‌اند (نجفی توانا، علی، ص ۱۲۴، ۱۴۰۰). این رویکرد نشان می‌دهد که چطور یک رفتار مجرمانه قابل چشم‌پوشی به دلیل واکنش‌های نامناسب جامعه موجب انزوای اجتماعی مرتکب و نهادینه شدن شخصیت منحرف وی می‌شود.

مبحث دوم: نظریه تسامح صفر^۳

اصولاً اعمال سیاست تسامح صفر بدین معناست که حتی خفیف‌ترین جرم حتی به صورت یک تخلف می‌بایست مورد تعقیب قرار بگیرد. یک دعوی کیفری سبک از نظر این سیاست به اندازه یک جرم بزرگ دارای اهمیت است. سیاست تسامح صفر یعنی عدم تسامح و اغماض حتی نسبت به یک خلاف کوچک و کم‌اهمیت. اندیشه مبنایی سیاست تسامح صفر این است که جرم از بی‌نظمی به وجود نمی‌آید بلکه از تسامح و اغماض نسبت به انحراف کوچک ایجاد می‌شود. اگر در جامعه ضابطین و مردم با ارتکاب جرایم ضعیف با تسامح و اغماض برخورد کنند سبب می‌شود که در آن جامعه بی‌نظمی ایجاد شود از دل این بی‌نظمی و عدم برخورد با جرایم کوچک و ساده جرایم پیچیده و بزرگ ایجاد می‌شود. جرم منجر به بی‌نظمی نمی‌شود بلکه جرم، ناشی از استمرار بی‌نظمی است. لذا برخورد قوی با جرایم ساده از حدوث جرایم بزرگتر جلوگیری می‌کند (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ص ۹۵، ۱۳۹۱).

^۱. Social reaction criminologies

^۲. Primary deviance & secondary deviance

^۳. Zero tolerance

فرانک تانن بام نقش اجتماع یا جامعه محلی را در به وجود آمدن حیات شغل مجرمانه تعریف می‌کند. او معتقد است بزهکاری با رفتارهای ساده و کم‌اهمیت شروع می‌شود مثلاً: طفل شیشه‌ی ساختمانی را می‌شکند، از دیواری بالا می‌رود و یا از مدرسه فرار می‌کند. به این ترتیب جامعه به خاطر عدم پاسخ به این جرایم ابتدایی به تدریج میزان تسامح و تساهل خود را کم می‌کند. به خاطر این مزاحمت‌ها و مشکلاتی که این جرایم بسیار ساده برای جامعه ایجاد می‌کنند تسامح و گذشت جامعه در برابر این رفتارها به سمت صفر متمایل می‌شود. از این رو تعریف جرم و انحراف تغییر می‌کند. بنابراین جامعه همان اعمالی را که قبلاً گذشت می‌کرد حالا با آن برخورد می‌کند، مثلاً والدین طفل را مواخذه می‌کنند یا به پلیس خبر می‌دهند. این فرد نوجوان وقتی با اعتراض افراد محل روبه‌رو می‌شود از آن پس به عنوان فردی متفاوت از دیگران زندگی می‌کند در نتیجه شاهد فرآیند ایجاد مجرم هستیم که حاصل پایین آمدن آستانه تحمل اعضای محله است که خود ناشی از افزایش شمار آن رفتارهای انحرافی ساده است. این سیاست باعث تشدید هژمونی پلیس بر جامعه و امنیتی شدن فضای جامعه خواهد شد چیزی که تا اندازه‌ای با حقوق شهروندی در تعارض است به همین جهت در اروپا به شدت مورد انتقاد قرار گرفت.

مبحث سوم: نظریه برچسب زنی^۴

هوارد بیکر استاد دانشگاه شیکاگو نظریه تانن بام را روزآمد کرد. نظریه برچسب‌زنی از جمله نظریات واکنش اجتماعی است که جرم را امری اعتباری و ساخته و پرداخته حاکمان در جهت تثبیت و حفظ حاکمیت خویش می‌داند. عناوین مجرمانه، برچسب‌هایی است که حاکمیت وضع و بر افرادی که از هنجارهای حاکمیت تخطی می‌کنند، تحمیل می‌کند. این امر منجر به شکل‌گیری هویت جدیدی در افراد می‌شود. در چنین شرایطی شخصیت مجرمانه شکل می‌گیرد و آن‌ها را به جرایم بیشتر سوق می‌دهد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۲). برای نمونه ممکن است شخص با رهایی از زندان، به خاطر محکومیت کیفری، نتواند کاری مشروع به دست آورد و برای زنده ماندن دوباره به ارتکاب جرم روی آورد (ولد، ۱۳۹۱، ص ۳۰۳). متفکران و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف علم و اندیشه این نکته را واقعیتی انکارناپذیر در حیات فردی و اجتماعی انسان تلقی می‌کند که برچسب زدن می‌تواند تاثیر جدی و تعیین کننده بر شخصیت و رفتار فرد داشته باشد.

گفتار دوم: تاثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر قانون آیین دادرسی کیفری ایران

رسیدگی به جرایم لزوماً نباید از طریق فرآیند قضایی دنبال شود. کشاندن افراد به دستگاه عدالت کیفری حتی اگر به براءت آن‌ها منجر شود، پیامدهای ناروایی به دنبال دارد (حاجی ده آبادی، ۱۳۹۷، ص ۱۷۸). در دهه‌های اخیر، با پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه حقوق و قضاوت، رویکردهای جدیدی به حل اختلافات پیشنهاد شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به ترک تعقیب، بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب و ارجاع به میانجی‌گر اشاره کرد. این روش‌ها به دلیل کارایی بالا، صرفه‌جویی در زمان و هزینه و افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی، به عنوان جایگزین‌های مناسب برای روش‌های قضایی سنتی مطرح شده‌اند. از جنبه جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، قضا‌دایی می‌تواند تأثیرات چشمگیری بر پیشگیری از جرایم داشته و بهبودی قابل توجه در امنیت و عدالت اجتماعی را فراهم آورند.

^۴. Labelling theory

مبحث اول: ترک تعقیب

ترک تعقیب از جلوه‌ها و روش‌های جایگزین تعقیب دعوی عمومی محسوب می‌شود که به دادستان و مقام قضایی این اختیار را می‌دهد که در برخی از جرایم و در مورد برخی از مرتکبین که آثار و نتایج جرم ارتكابی آنان بر جامعه و نظم عمومی اندک و قابل مسامحه است، به جای تعقیب کیفری آنان که اثرات سودمندی را به دنبال ندارد، با صدور قرار ترک تعقیب در جهت اصل اقتضاء تعقیب گامی را بردارند (حسن نژاد عمرانی، ۱۴۰۳، ص ۱۵).

قانونگذار در ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری بیان داشته است که در جرائم قابل گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند و شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یک‌بار تا یک‌سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند. این ماده به عنوان جایگزین‌های تعقیب کیفری متهم به منظور کاستن از پرونده‌های قضایی در محاکم در جرائم کم‌اهمیت و جلوگیری از وارد شدن متهم در فرآیند کیفری پیش‌بینی شده‌اند. در این ماده قابل گذشت بودن جرم اماره‌ای بر کم‌اهمیت بودن آن تلقی شده و به کسی که حق تقاضای به جریان افتادن و خاتمه بخشیدن به تعقیب کیفری را دارد اجازه داده شده که در صورت عدم انصراف قطعی از تعقیب متهم موقتاً از آن انصراف دهد. درخواست ترک تعقیب توسط شاکی فقط تا قبل از صدور کیفرخواست امکان‌پذیر است. ترک تعقیب از جمله ساز و کارهایی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی و در جرایم قابل گذشت، مانع برچسب مجرمانه زدن بر افراد می‌شود.

مبحث دوم: بایگانی پرونده

این قرار اصولاً در راستای اعمال اصل موقعیت داشتن یا مناسب بودن تعقیب و به عنوان یکی از جایگزین‌های تعقیب توسط مقام قضایی، مورد استفاده قرار می‌گیرد (خالقی، ۱۴۰۱، ص ۲۹۹). به موجب ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری در جرائم تعزیری درجه هفت و هشت، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، مقام قضایی می‌تواند پس از تفهیم اتهام با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع جرم شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از متهم برای رعایت مقررات قانونی فقط یک‌بار از تعقیب متهم خودداری نماید و قرار بایگانی پرونده را صادر کند. بدین ترتیب این قرار وسیله‌ای برای مختومه ساختن پرونده‌های کم‌اهمیتی است که اوضاع و احوال جرم، وضعیت متهم و همچنین فقدان پیشینه مؤثر کیفری او، عدم تعقیب کیفری متهم را مناسب‌تر و موجه‌تر می‌سازد چرا که مانع برچسب مجرمانه خوردن متهم خواهد شد.

مبحث سوم: تعلیق تعقیب

طریقت داشتن قانون به معنای وسیله بودن قانون است به این معنا که قانون وسیله‌ای برای نیل به هدفی بیرون از خود در نظر گرفته می‌شود. تعلیق تعقیب با دیدگاه طریقت داشتن قوانین سازگار و مبتنی بر آن است. به این معنا که قانون برای غایتی بیرونی نظیر عدالت یا مصلحت و غیر آن تعبیه شده است. در طریقت مطرح در تعلیق تعقیب، قانون وسیله و طریق برای نیل به مصلحت فردی و اجتماعی است (سایبانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰). در این نهاد انصراف دادستان از تعقیب، موجب پایان یافتن تحقیقات مقدماتی می‌شود. قرار تعلیق تعقیب که در ماده ۸۰ قانون آیین دادرسی کیفری آورده شده است، در جرایم تعزیری نسبتاً کم‌اهمیت درجه شش تا هشت، در اختیار دادستان به عنوان مقام تعقیب قرار

دارد تا چنانچه وی عواقب سوء فرآیند کیفری و محکومیت متهم نظیر انگ مجرمیت، آشنایی با محیط زندان و طرق ارتکاب جرم و... را بیشتر از منافع آن برای جامعه بداند، دعوی عمومی را برای مدتی به حالت تعلیق درآورد تا اگر متهم در این مدت جرمی مرتکب نشد دیگر او را برای آن جرم تعقیب ننماید و تشریفات طولانی رسیدگی منتهی به برچسب‌زنی، در جرایم کم‌اهمیت را تا حد امکان کنار بگذارد.

مبحث چهارم: ارجاع به میانجی‌گر یا شورای حل اختلاف

میانجی‌گری فرآیندی است که در آن یک فرد بی‌طرف و مستقل، به نام میانجی، به طرفین درگیر در یک اختلاف کمک می‌کند تا به توافقی قابل قبول برای هر دو طرف برسند. اعطای مهلت به متهم و ارجاع به میانجی‌گری دو اقدامی است که با الهام از آموزه‌های عدالت ترمیمی، به منظور جبران خسارت بزه‌دیده، سازش طرفین و خارج ساختن پرونده‌های کم‌اهمیت از فرآیند قضایی در ماده ۸۲ ق.آ.د.ک پیش‌بینی شده است. مطابق این ماده در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت که مجازات آن‌ها قابل تعلیق است، مقام قضایی می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه‌دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب حداکثر دو ماه مهلت به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. هم‌چنین مقام قضایی می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای برای میانجی‌گری ارجاع دهد. مدت میانجی‌گری بیش از سه ماه نیست. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضاء فقط برای یک‌بار و به میزان مذکور قابل تمدید است.

از دیدگاه سیاست جنایی می‌توان میانجی‌گری را به سه دسته عرفی، اداری و رسمی تقسیم‌بندی کرد. در میانجی‌گری عرفی طرفین خود توافق می‌نمایند که اختلاف و آثار ناشی از جرم را با الهام از الگوهای معمول در عرف و فرهنگ محلی از طریق میانجی‌گری حل و فصل نمایند. در واقع مقام قضایی در این فرآیند هیچ‌گونه مداخلیتی ندارد، لیکن آن را به رسمیت می‌شناسد. این قسم از میانجی‌گری قبل از طرح دعوا در دادگاه به اجرا گذاشته می‌شود و اصول با اراده طرفین تحقق می‌یابد. آیین خون صلح یا خونس و آیین فصل ناموسی، نوعی میانجی‌گری عرفی محسوب می‌شوند. میانجی‌گری ارادی زمانی است که طرفین دعوا قبل از اقامه شکایت کیفری نزد مقام قضایی یا حتی پس از آن، بر اساس توافق، موضوع را به میانجی‌گری ارجاع دهند. لذا در صورتی که پس از طرح دعوا در دادگاه، قاضی اختلاف طرفین را به میانجی‌گری ارجاع دهد، رسیدگی کیفری تا مشخص شدن نتیجه میانجی‌گری معلق می‌ماند و اگر میانجی‌گری نتیجه‌ای نداشته باشد رسیدگی از سر گرفته می‌شود. میانجی‌گری رسمی، درون‌سیستمی یا قضایی، پلیسی می‌باشد و میانجی‌گر از مقامات رسمی و دولتی است که بر اساس رویه عملی و به موجب قانون، تمام تلاش خود را در جهت ایجاد صلح و سازش بین بزه‌دیده و بزه‌کار و اجتناب از رسیدگی قضایی یا پرهیز از طولانی شدن آن می‌نماید. شوراهای حل اختلاف و واحدهای صلح و سازش کلانتری‌ها دو نمونه از مصادیق میانجی‌گری رسمی هستند (ساداتی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸).

ارجاع به نهاد میانجی‌گر یا شورای حل اختلاف که خود متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی و واکنش‌های اجتماعی است می‌تواند بر حقوق کیفری ایران تأثیرگذار باشد و به مدیریت بهتر اختلافات جامعه و تقویت عدالت و اجتناب از برچسب‌زنی کمک کند.

گفتار سوم: تاثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر قانون مجازات اسلامی ایران
در مرحله رسیدگی کیفری، مواردی همچون تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، گذشت شاکي در جرایم قابل گذشت، و عفو عمومی از جمله مسائلی هستند که تأثیرات گسترده‌ای بر سیستم قضائی و اجتماعی دارند. این روش‌ها و ابزارها به منظور تنظیم و کنترل مسائل کیفری به کار می‌روند و می‌توانند در کاهش بار قضایی موثر باشند.

مبحث اول: تعویق صدور حکم

تعویق صدور حکم از نوآوری‌های قانون مجازات اسلامی به شمار می‌آید، ولی ریشه در تجارب کشورهای غربی و جرم‌شناسی واکنش اجتماعی دارد. این جرم‌شناسی به مطالعه فرآیند شکل‌گیری هویت اجتماعی بزهکار می‌پردازد و بر آن است که این فرآیند زمینه ایجاد پدیده برچسب‌زنی می‌شود. نظریه پردازان برچسب‌زنی معتقدند که بزهکاری و به طور کلی کژروی در کیفیت یک رفتار نیست، بلکه پیامد اجرای مقررات و ضمانت‌های اجرایی است که گروه اجتماعی متشکل از افراد و نهادها در ساخت و پرداخت آن دست دارند. اینان در واقع با قضاوت‌های منفی درباره رفتار انسان‌ها، سبب می‌شوند که انتخاب رفتار و کردار قانونی برای آنان ناممکن گردد. هنگامی که کسی از نگاه دیگران به صورت خاصی توصیف می‌شود در نتیجه فشار اجتماعی رفته‌رفته به تغییر درک و دریافت از خود دست می‌زند تا با این توصیف انطباق پیدا کند در نتیجه با پذیرش انگ بزهکار بار دیگر به سمت رفتارهای نابهنجار سوق داده می‌شود. این گرایش که در سازوکار دستگاه قضایی با صدور حکم محکومیت به پایان می‌رسد تصویر دیگری از بزهکار ترسیم می‌کند که بازگشت او را به حالت عادی دشوار می‌سازد. از این رو، با تعویق صدور حکم و امتناع از اعلام مجرمیت به بزهکار فرصت دیگری داده می‌شود که ذهن آشفته خود را اصلاح کند و ثابت نماید که قضاوت دیگران درباره او درست نبوده است (اردبیلی، ۱۳۹۹، ص ۲۰۶).

نهاد تعویق صدور حکم در میانه نهاد تعلیق تعقیب و تعلیق اجرای مجازات در فرآیند رسیدگی کیفری واقع شده است و فرصتی است که دادگاه پس از احراز مجرمیت به متهم می‌دهد تا اگر چنانچه در طول این مدت، بین شش ماه تا دو سال، به تعهدات خود پایبند بماند و از دستورهای دادگاه پیروی نماید، به موجب حکم دادگاه از مجازات معاف گردد.

مبحث دوم: تعلیق اجرای مجازات

هدف اصلی از اجرای کیفر، به جای تنبیه و عقوبت، اصلاح و بازپروری است. مجازات به عنوان آخرین راهکار علیه بزهکاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. تا زمانی که فرد بزهکار از طریق راهکارهای دیگر به هدف اصلی اعمال کیفر نایل می‌آید، استفاده از کیفر ضروری نمی‌باشد. به همین دلیل، در برابر جرایم کم‌اهمیت که به جامعه آسیب جدی نمی‌زند و همچنین زمانی که اجرای کیفر ضروری نیست و اعطای فرصت دیگر منجر به اصلاح بزهکار می‌شود، دولت‌ها از سیاست جنایی سرکوبگر منصرف شده و به دنبال نرمش و انعطاف در اعمال، کیفری هستند. تعویق صدور حکم نیز یک نهاد است که در چارچوب سیاست جنایی مبتنی بر نرمش، سازش و حمایت بیشتر از مجرمان غیر خطرناک تأسیس یافته است (هاشمیان و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۶۶).

تعلیق اجرای مجازات عبارت است از اجرا نکردن مجازات کسی که به کیفرهای تعزیری درجه سه تا هشت محکوم شده است تا چنانچه در مدت معینی بین یک تا پنج پس از آن، مرتکب جرم دیگری نشود و از دستورهای دادگاه در این مدت پیروی کند، محکومیت او بی‌اثر گردد.

اندیشه تعلیق اجرای مجازات ابتکاری غربی است که در یک سده اخیر رفته‌رفته به نظام‌های کیفری کشورهای جهان راه یافته است. امروزه تعلیق اجرای مجازات یک تدبیر ارفاقی نسبت به همه محکومان اصلاح‌پذیر که فاقد محکومیت مؤثرند محسوب می‌شود. سیاست‌گزاران کیفری امیدوارند که محکومان در مدت تعلیق به شوق معافیت از مجازات و آثار آن و از بیم اجرای مجازات با پیروی از دستورهای دادگاه در اصلاح رفتار خود بیش از پیش بکوشند. تعلیق اجرای مجازات همانند تعویق صدور حکم ممکن است به شکل ساده یا مراقبتی باشد در عین حال مقررات مشابهی حاکم بر اجرای هر دو نهاد کیفری است با تفاوت‌هایی در آیین اعطا و اجرای آن‌ها. بنابراین، تعلیق اجرای مجازات می‌تواند به عنوان نهادی متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی واکنش‌های اجتماعی در راستای جلوگیری از برچسب مجرمانه خوردن بر افراد در حقوق کیفری ایران تأثیرگذار باشد.

مبحث سوم: گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت

گاه قانونگذار به دلیل کم‌اهمیت بودن حیثیت عمومی جرم، زمانی به علت رعایت مصالح اجتماعی و منافع خانوادگی، از لکهدار شدن حیثیت و شئون افراد و در بعضی موارد، بنابر ملاحظات اقتصادی، تعقیب دعوای عمومی را بر مطالبه متضرر از جرم، منوط می‌کند و به مراجع قضایی اجازه نمی‌دهد که بدون تقاضای متضرر، متهم را تحت تعقیب قرار دهد (ربیع، ۱۴۰۰، ص ۵۳۴).

تأثیر گذشت شاکی بر مقوفی تعقیب و صدور حکم یا اجرای مجازات، بر اساس شرایط خاص و از تأثیرات جرم‌شناسی واکنش اجتماعی است که به جای تمرکز تنها بر مجازات فرد، به اصلاح شخصیت و شرایط اجتماعی و روانی فرد متهم می‌پردازد. این رویکرد تلاش می‌کند تا با اصلاح فرد متهم، از ادامه و تکرار جرم‌ها جلوگیری شود. ارتباط بین گذشت شاکی و تأثیرات جرم‌شناسی واکنش اجتماعی در حقوق کیفری ایران این است که شاکی ممکن است در نظر بگیرد که به جای ادامه پرونده و تعقیب مجازات، با اصلاح شرایط و اصلاح فرد متهم می‌تواند نقش مؤثرتری در بهبود وضعیت کیفری داشته باشد. این می‌تواند به عنوان یک راه حل جایگزین برای رسیدگی به جرم‌ها باشد که به عنوان یک جنبه اصلاح‌گر در فرآیند قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد.

مبحث چهارم: عفو عمومی

عفو عمومی سیاستی است که قوه مقننه به منظور ممانعت از هرگونه اقدام قضایی نسبت به بزهکاران و یا زوال محکومیت آنان و آثار احتمالی آن بر می‌گزیند، زیرا عفو عمومی از حقوق جامعه است. به موجب این حق جامعه می‌تواند بنا به مصلحت، هیچ اثری بر رفتارهای سوء بزهکاران مترتب نسازد. عفو عمومی به معنی نادیده گرفتن جرم است نه اباحه فعل، عفو عمومی اقدامی قانونی است که هدف آن تعطیل نمودن دعوی کیفری است که از وقوع جرم خاصی ناشی شده است (غیور و صابری، ۱۳۹۴، ص ۹۶).

در گذشته حقوق دانان عفو عمومی را وسیله‌ای برای زدودن آثار بعضی جرایم از لوح خاطر جامعه می‌دانسته‌اند به‌ویژه به هنگام انقلاب‌های سیاسی و بحران‌های اجتماعی که جمع‌کنندگی خواسته یا ناخواسته به ارتکاب جرایم گوناگون کشیده می‌شدند و پس از پایان بحران و رفع آن، در معرض اتهام یا تحت تعقیب کیفری بودند. عفو عمومی به مردم اجازه می‌داد پس از یک دوره آشوب و نابسامانی خاطرات گذشته را به دست فراموشی بسپارند و زندگی اجتماعی تازه‌ای را از سر گیرند.

در مقابل، تأثیرات جرم‌شناسی واکنش اجتماعی به تحلیل عوامل متعددی که منجر به ارتکاب جرم شده‌اند، تأکید دارد. این عوامل شامل شرایط اجتماعی، روانی، فرهنگی و زیست محیطی فرد متهم است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر رفتار او تأثیر می‌گذارند. رویکرد جرم‌شناسی واکنش اجتماعی تلاش دارد تا با تحلیل و تفسیر این عوامل پیشگیری از تکرار جرم‌ها را ارائه دهد.

در زمینه حقوق کیفری ایران، ارتباط بین عفو عمومی و تأثیرات جرم‌شناسی واکنش اجتماعی باید به گونه‌ای بررسی شود که آیا عفو عمومی به عنوان یک ابزار قانونی، می‌تواند در اصلاح افراد متهم مؤثر باشد؟ به عنوان مثال، در صورتی که جرم ارتکاب‌شده ناشی از شرایط اجتماعی یا روانی خاصی باشد و اصلاح فرد متهم به طور جدی مورد توجه قرار گرفته باشد، اعمال عفو عمومی ممکن است به عنوان یک راه حل قانونی برای اصلاح شرایط او مطرح شود. آثار متعدد عفو عمومی از اندیشه فراموشی سرچشمه می‌گیرد؛ یعنی هر آنچه ممکن است در نامه اعمال بزهکار ثبت شده باشد محو و خاطره آن زدوده می‌شود.

تحلیل جرم‌شناسی نشان می‌دهد که شرایط خاصی باعث ارتکاب جرم توسط فرد شده‌اند و این شرایط ناشی از تأثیرات جامعه‌شناختی، روانی یا فرهنگی بوده‌اند، عفو عمومی ممکن است به عنوان راهی برای اصلاح شرایط فرد مورد بررسی قرار گیرد. در این صورت، اعلام عفو می‌تواند به جای مجازات فرد، به توجیه و تعلیل اجتماعی و رفاه اجتماعی بپردازد و به همین دلیل می‌تواند به کاهش تکرار جرم‌ها در آینده کمک نماید.

گفتار چهارم: تاثیر آموزه‌های اسلامی بر تدوین قوانین کیفری و شکل‌دهی به تأثیرات یافته‌های جرم‌شناسی واکنش‌های اجتماعی

مبحث اول: بزه‌پوشی

کشف و آشکارشدن جرم غالباً با گسترش اخبار مربوط به آن همراه است که این امر باتوجه به انتشار مکرر اخبار وقوع آن، ضعف حساسیت‌های عمومی را نسبت به جرم در پی خواهد داشت. خطر عادی شدن جرم علاوه بر تزلزل احساس امنیت در جامعه و شیوع ترس از جرم-که مبتنی بر احتمال بزه‌دیده واقع شدن هر شهروندی است-غیرقابل چشم‌پوشی است. بزهکاری پیش‌پاافتاده و کاهش زشتی جرم وحشتناک‌ترین پدیده‌ای است که می‌تواند امنیت و نظام جامعه را متلاشی کند. از این رو اشاعه زشتی و بازگو کردن معاصی چنانچه با قصد و علم به آثار سوء آن مقارن باشد با واکنشی شدید مواجه شده است: "آنان که دوست می‌دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند آن‌ها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و شما نمی‌دانید" (نور آیه ۱۹). از امام صادق نقل شده است که فرمود: "بر حاکم است که سه چیز را درباره عام و خاص به اجرا بگذارد. پاداش دادن به نیکوکار تا رغبت در انجام اعمال نیک در او بیشتر شود.

پوشاندن گناه خطاکار تا توبه کند و از گناه بازگردد و ایجاد الفت بین همگان به وسیله احسان کردن و انصاف به خرج دادن" (الحرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۹). امام علی(ع) عزت و کرامت آدمی را با تمایلات زشت و مجرمانه در ستیز می‌داند و در وصیت‌های خویش به امام حسن(ع) می‌فرماید: "نفس خویش را از هر پستی بزرگ و برتر بدار. شخصیتی که به وسیله ابزار کیفر پست و بی‌مقدار شود، خود را در ارتکاب هر زشتی نکوهش نخواهد کرد. توسل بی‌دریغ و پی در پی به کیفر نتیجه جز شخصیتی متزلزل و حقیر از مجرم برجای نخواهد گذاشت" (نهج البلاغه، نامه ۳۱). امام رضا(ع) در مذمت نشر گناه می‌فرماید: "آن کس که گناه را نشر دهد، مطرود است و آن کس که گناه را پنهان دارد، مشمول آمرزش الهی است" (کلینی، ۱۳۶۹، ص ۳۵۲). هم‌چنین حضرت ثامن الحجج (ع) در فضیلت و شرافت عیب‌پوشی که از اوصاف خداوند سبحان است و ایشان را از این جهت ستار العیوب معرفی می‌نماید، می‌فرماید: "بر مؤمن سزاوار است که از پروردگار و پیامبر (ص) و امام علی (ع) خود سه خصلت را بیاموزد، خصلتی که از پروردگار باید بیاموزد، عیب پوشی و کتمان است" (جزایری، ۱۳۸۱، ص ۸۱۷).

بزه‌پوشی منحصر در حقوق‌الله مطرح خواهد بود زیرا مخفی داشتن جرائم و تمایل به ترک تعقیب آن در حق الناس موجب اضرار غیر و یا فوت حق دیگری بوده و این خود ستمی بر بزه‌دیده است. بر اساس نظام حقوقی اسلامی بزه‌پوشی می‌تواند به عنوان یک عامل تاثیرگذار در تعیین و تعدیل واکنش‌های اجتماعی در نظر گرفته شود.

مبحث دوم: توبه

در قرآن، ذات پاک خداوند، ۹۱ بار غفور، (بسیار آمرزنده) و ۵ بار غفار، (بسیار بخشنده) یاد شده و در آیات بسیاری، مردم به استغفار و طلب آمرزش از درگاه خدا دعوت شده‌اند. و بیش از ۸۰ بار سخن از توبه و پذیرش توبه به میان آمده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: "و از نشانه‌های پرهیزگاران آن است که: هرگاه مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود از خدا طلب آمرزش می‌کنند." (آل عمران، ۱۳۵) "کسی که کار بدی انجام دهد، یا به خود ستم کند، سپس از خداوند طلب آمرزش نماید، خداوند را آمرزنده و مهربان خواهد یافت" (نساء، ۱۱۰) "بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می‌آمرزد و او بسیار بخشنده و مهربان است" (زمر، ۵۳).

توبه از مفاهیم شرعی است که به دلیل اقتباس قانونگذار از منابع فقهی در تدوین قوانین حدود، قصاص و دیات از این رهگذر وارد حقوق موضوعه شده است. از نظر مفهومی، توبه عبارت است از احساس پشیمانی از ارتکاب گناه و تصمیم جدی بر عدم تکرار آن. این احساس، درونی است و برای اینکه موجب سقوط مجازات گردد باید نزد قاضی اظهار شود و قاضی نیز پشیمانی و اصلاح او را احراز کند. با توجه به پیشینه فقهی توبه در نظامی فاقد دادسرا و با توجه به اختیار قاضی در قبول یا عدم قبول توبه و تأثیر متفاوت آن در کیفر برخی جرائم (سقوط یا تخفیف مجازات)، به نظر می‌رسد که توبه باید نزد قاضی دادگاه (اعم از بدوی و تجدید نظر) صورت گیرد و با توبه نزد بازپرس و دادیار، تعقیب و مجازات موقوف نخواهد شد. در این حالت، مقامات دادسرا، ضمن ثبت اظهارات متهم پرونده را پس از تکمیل تحقیقات با صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست جهت اتخاذ تصمیم در مورد توبه متهم به دادگاه ارسال می‌کنند. در دادگاه در صورت احراز ندامت و اصلاح متهم تصمیم قاضی بر حسب نوع و اهمیت جرم و زمان اظهار توبه متفاوت خواهد بود. قبل از هر چیز

باید دانست که در جرائم مستوجب قصاص و دیه به دلیل اینکه مربوط به حق الناس هستند، با توبه مرتکب، مجازات ساقط نمی‌شود. از میان حدود نیز، حد قذف هم به همین دلیل با توبه از بین نمی‌رود (ماده ۱۱۶ ق.م.ا). اما توبه مرتکب در مجازات سایر جرائم اعم از حدی و تعزیری موثر است. در حدود، حد محاربه، فقط در صورتی ساقط می‌شود که متهم قبل از دستگیر شدن توبه نماید (ماده ۱۱۶ و تبصره ۱ ماده ۱۱۴ ق.م.ا) در سایر حدود توبه متهم مهم است و حد را ساقط می‌کند، البته مشروط بر اینکه قبل از اثبات جرم صورت بگیرد. توبه مرتکب در جرائم حدی (به جز قذف) پس از اثبات جرم هم مؤثر است؛ به شرط اینکه جرم با اقرار متهم ثابت شده باشد، که در این صورت برای سقوط مجازات عفو وی توسط مقام رهبری لازم است که به درخواست دادگاه از طریق رئیس قوه قضاییه تقدیم می‌شود.

در جرائم تعزیری، توبه متهم حسب مورد باعث سقوط مجازات یا تخفیف آن می‌شود. اما بر خلاف حدود در این جرائم قانونگذار محدوده زمانی خاصی را برای اظهار توبه تعیین نکرده بلکه درجه اهمیت جرم تعزیری در تعیین آثار توبه دخالت دارد بنابراین، ظاهراً هرگاه متهم توبه نماید و پشیمانی واقعی و اصلاح وی برای قاضی محرز باشد این توبه در سرنوشت او مؤثر است و فقط باید به درجه مجازات تعزیری او توجه کرد. بدین ترتیب که در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید، ماده (۱۱۵ ق.م.ا). البته در تعزیرات، حذف یا تخفیف مجازات متهم در اثر توبه، دو استثناء دارد یکی در جرائم تعزیری مشمول تکرار جرم (تبصره ۱ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) و دیگری در جرائم تعزیری منصوص شرعی در مورد اخیر، (تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا) کلیه موارد فوق، قاضی وظیفه دشوار احراز ندامت واقعی و اصلاح مرتکب در اثر توبه را که امری درونی و شخصی است بر عهده دارد. در عین حال به منظور جلوگیری از تمرکز تمام اختیارات این تشخیص در قاضی رسیدگی کننده ماده ۱۱۹ ق.م.ا این حق را برای دادستان محفوظ دانسته که چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدید نظر اعتراض کند. در نتیجه، اگر مرجع تجدید نظر تشخیص دهد که موجهی برای سقوط یا تخفیف مجازات متهم در اثر توبه نیست اعم از اینکه جرم مشمول مقررات توبه نبوده، یا به جای سقوط مجازات باید صرفاً تخفیف داده شود یا اینکه توبه متهم واقعی و ناشی از ندامت حقیقی نباشد، حکم به مجازات متهم خواهد داد. اهمیت احراز توبه واقعی متهم به اندازه‌ای است که کشف خلاف آن بعد از سقوط یا تخفیف مجازات هم می‌تواند آثار توبه را از بین ببرد و ظاهراً این امر حتی بعد از قطعیت حکم نیز امکان‌پذیر است ماده ۱۱۷ ق.م.ا در این باره می‌گوید: چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجراء می‌گردد. در این مورد، چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد، مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

توبه به معنای پذیرش خطا و نیاز به بازپرداخت آن به جامعه است. در قوانین ایران، مفهوم توبه به صورت قانونی تعریف شده است و ممکن است تأثیرگذار بر تعیین مجازات کیفری باشد. به عنوان مثال، می‌تواند به عنوان یک عامل کاهش مجازات بررسی شود یا در تصمیمات قضایی دیگر تأثیر داشته باشد.

واکنش‌های اجتماعی نیز می‌توانند بر تصمیمات مربوط به توبه و تعیین مجازات تأثیرگذار باشند. به عنوان مثال، اگر یک پرونده جنایی واکنش‌های منفی و قوی اجتماعی را به دنبال داشته باشد، تصمیمات قضایی ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند و در نتیجه، تصمیمات در مورد توبه و مجازات‌های کیفری تغییر کنند.

توبه به عنوان یک ابزار قانونی و اخلاقی می‌تواند به شکلی مهم در سیاست‌گذاری قضایی و کیفری در ایران نقش داشته باشد. بر اساس نظام حقوقی اسلامی ایران، توبه می‌تواند به عنوان یک عامل تاثیرگذار در تعیین و تعدیل مجازات‌های کیفری در نظر گرفته شود.

بنابراین، توبه به عنوان یک عنصر حقوقی و اجتماعی در حقوق کیفری ایران، توسط تاثیر یافته‌های جرم‌شناسی واکنش‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و می‌تواند در تصمیمات قضایی و سیاست‌گذاری کیفری مؤثر باشد. این ارتباطات نشان می‌دهد که حقوق کیفری ایران چگونه به تعدیل و تصمیم‌گیری درباره مجازات‌ها با توجه به مفاهیم دینی و اخلاقی مانند توبه واکنش نشان می‌دهد.

مبحث سوم: چشم‌پوشی و گذشت

خداوند در قرآن می‌فرماید: "باید عفو کنید و لغزش‌های دیگران را نادیده بگیرید، آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد و خداوند غفور و رحیم است" (آیه ۲۲، نور) هم‌چنین در آیه ۱۴ سوره تغابن آمده است: "اگر عفو کنید و صرف‌نظر نمایید و ببخشید، خدا شما را می‌بخشد، چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است" (آیه ۱۴، سوره تغابن). قرآن کریم، عفو و چشم‌پوشی را از ویژگی‌های بندگان واقعی خدا برشمرده است: "بندگان واقعی خدای رحمان، کسانی هستند که با فروتنی بر زمین راه می‌روند و چون نادانان به شیوه‌های ناروا با آن‌ها روبه‌رو شوند، با مسالمت و آرامش، سلام گویند و چون گفتار یا کردار بیهوده ببینند، بزرگوارانه از کنار آن می‌گذارند" (آیه ۱۰۲ سوره نساء). پیامبر (ص) فرموده‌اند: "هر کس از ستمی که در حق او شده گذشت کند، خداوند به جای آن در دنیا و آخرت به او عزت بخشد" (طوسی، ۱۳۷۲، ص ۱۸۲).

امام علی علیه السلام در فرمان حکومت مصر به مالک اشتر نوشت نسبت به آنان حیوان درنده‌ای مباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو گروهند: یا برادر دینی تو هستند یا هم نوع تو که از ایشان لغزش سر می‌زند و در معرض درد و گرفتاری‌ها قرار دارند و دانسته و ندانسته خلاف می‌کنند. بنابراین، همان‌گونه که دوست داری خداوند تو را ببخشد و از خطاهایت درگذرد، تو نیز آنان را ببخش و از خطاهایشان درگذر. از بخشش و گذشت هرگز پشیمان مباش و از کیفر دادن خوشحالی مکن (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

مبحث چهارم: اصلاح ذات‌البین

اصلاح ذات‌البین به معنای نیکو کردن حالت فاسد و رابطه بدی که بین اشخاص یا گروه‌ها پدید آمده و برطرف کردن تیرگی روابط ایجاد شده بین آن‌هاست. به تعبیری اصلاح اساس ارتباطات، تقویت و تحکیم پیوندها و از میان بردن عوامل و اسباب تفرقه و نفاق است (طباطبائی، ج ۹، ص ۶).

خداوند تعالی در صورتی که کار دو گروه از مؤمنان به نزاع و جنگ کشیده شود، فرمان و دستور به آشتی دادن آن دو گروه می‌دهد: "هر گاه دو گروه از مؤمنان با هم به نزاع و جنگ بپردازند، آن دو را با هم آشتی دهید و بین آن دو صلح برقرار نمایید" (آیه ۹ سوره حجرات). این حکم اختصاص به کارزار و جنگ ندارد و موارد غیرجنگی را نیز در بر می‌گیرد و شامل هر نوع درگیری و منازعه می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: "مؤمنان برادر یکدیگرند، پس بین دو برادر خود صلح و آشتی برقرار کنید" (آیه ۱۰ سوره حجرات). قرآن کریم با این حکم کلی، فلسفه اصلاح بین دو گروه متخاصم را

بیان می‌کند و می‌فرماید مؤمنان همه برادر یکدیگرند و در صورتی که دو فرد یا دو دسته از مؤمنان بر سر هر چیزی با هم اختلاف پیدا کردند، از یک طرف این دو با هم برادر هستند و از طرف دیگر، شما هم برادر آنها هستید. در جامعه اسلامی باید همه خود را با هم برادر بدانند، چه آنانی که با هم اختلاف دارند و چه دیگران و افرادی که قادر به حل اختلافات آنان و ایجاد صلح و آشتی بین آنها هستند. البته افراد مصلح و آشتی‌دهندگان باید از جانبداری و عدم رعایت عدالت پرهیز کنند و تقوای الهی را پیشه کنند تا مشمول رحمت الهی شوند.

حضرت علی علیه السلام در آخرین روزهای حیات در وصیت خویش به فرزندان خود امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرموده‌اند: "شما و همه فرزندانم و هر کس را که وصیت‌نامه من به او می‌رسد به پرهیزگاری و نظم در امور و اصلاح ذات‌البین سفارش می‌کنم. من از جد شما صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم که می‌فرمود: اصلاح ذات‌البین از نماز و روزه برتر است" (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

چه تعبیری رساتر و واضح‌تر از اینکه اصلاح بین مردم و ایجاد صلح و دوستی بین آنان در رتبه نماز و روزه است و در مواقعی از نماز و روزه هم با ارزش‌تر می‌شود. در همین رابطه در کتاب وسائل‌الشیعه از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند: "بعد از انجام واجبات هیچ کاری که شخص انجام می‌دهد، برتر و بهتر از اصلاح بین مردم نیست" (الحرالعالمی، بی تا، ص ۱۶۳).

از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: "کسی که در راه آشتی دادن دو نفر قدم بردارد فرشتگان خداوند تبارک و تعالی تا زمانی که بر می‌گردد، بر او درود می‌فرستند و پاداش عبادت شب قدر به او اعطا می‌شود". در تأکید این مطلب در روایت دیگری خوانده می‌شود: "از نهایت سعادت فرد تلاش و کوشش وی در اصلاح بین مردم است". بنابراین، خود سعی و تلاش در جهت اصلاح ذات‌البین مطلوب بوده و به خودی خود خوشبختی بلکه کمال خوشبختی فرد محسوب می‌شود.

به این ترتیب اسلام آحاد جامعه را دعوت و تشویق به اصلاح ذات‌البین می‌کند تا افراد جامعه اسلامی با رغبت و علاقه در اصلاح ذات‌البین میان طرف‌های اختلاف به‌ویژه در امور کیفری مشارکت کنند. از این جهت بر حضور و مشارکت اعضای جامعه، به‌ویژه جامعه محلی که تحت تأثیر مستقیم ارتکاب بزه واقع شده است، به عنوان یکی از کُنشگران فرآیند حل و فصل اختلاف ناشی از ارتکاب بزه تأکید می‌کند.

اسلام به ترمیم و جبران خسارت‌های واردشده به بزه‌دیده اهتمام می‌ورزد و سعی بر آن دارد که در تعدیات و تجاوزات به حق الناس تا آنجا که ممکن است از کیفری شدن قضیه و اِعمال مجازات اجتناب شود و تا حد ممکن بزهکار متحمل کیفر و مجازات نشود. اِعمال مجازات به بزهکار فقط در صورتی است که بین او و بزه‌دیده سازشی صورت نگرفته باشد و بزه‌دیده بر مجازات بزهکار اصرار ورزد. این در حالی است که از یک طرف به خود طرف‌های درگیر سفارش به صلح و آشتی شده و از طرف دیگر مسلمانان موظف به اصلاح ذات‌البین میان بزه‌دیده و بزهکار هستند و با انجام اقدامات اصلاحی کمتر نوبت به مرحله اِعمال مجازات می‌رسد. در واقع اگر در موردی اقدامات اصلاحی مؤثر واقع نشود و آشتی صورت نگیرد، راه برای مراجعه به مراجع رسمی و دستگاه قضایی و رسیدگی به وسیله آنها باز است و در این حالت بزه‌دیده این حق را دارد که تقاضای اِعمال مجازات بزهکار را بنماید. از طرف دیگر، با توجه به اینکه جنبه کیفری مسئله به بزه‌دیده سپرده شده است و ارتکاب بزه اقدامی علیه بزه‌دیده محسوب

می‌شود، در این صورت اصلاح ذات‌البین و مصالحه و رسیدن به آشتی و سازش در هر مرحله‌ای از مراحل رسیدگی، چه قبل از طرح دعوی و رفع الی الحاکم و چه بعد از آن و چه قبل از صدور حکم و چه بعد از آن و چه قبل از اجرای حکم و چه در حین اجرای حکم، امکان‌پذیر است و بزه‌دیده می‌تواند با آشتی با بزه‌کار مانع اجرای مجازات بزه‌کار شود. اجرای اصلاح ذات‌البین دارای آثار متعددی مانند اجرای عدالت، ترمیم خسارات وارد شده بر بزه‌دیده و جامعه محلی، عدم طرد بزه‌کار از جامعه و اصلاح او، پیشگیری از تکرار بزه و بزه‌دیدگی، مشارکت جامعه مدنی (محلی) در واکنش به ارتکاب بزه و حل و فصل مسائل ناشی از ارتکاب آن، کاهش بار دستگاه قضایی و ضابطان قضایی، قضازدایی و کیفزدایی است.

برای اجرای بهتر و مؤثر اصلاح ذات‌البین لازم است قبل از هر چیز دیگر در مورد آن فرهنگ‌سازی شود و سیاست‌گذاران سیاست جنایی کشور، مردم و حتی دست‌اندرکاران امر قضا را به اصلاح ذات‌البین و اهمیت و خصوصیات و نحوه اجرای آن واقف کرده و مردم را تشویق کنند که در اختلافات خود به این برنامه روی آورند. همچنین لازم است در قوانین کیفری جهت‌گیری ضمانت اجراها را به جای کیفر و مجازات به سمت ترمیم و جبران خسارات ایجادشده بر اثر ارتکاب بزه و باز گرداندن وضع تا آنجا که ممکن است به حالت قبل از ارتکاب بزه سوق داد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴).

نتیجه‌گیری

در نظام‌های کیفری کرامت‌مدار که حافظ ارزش‌های جامعه و کرامت انسانی شهروندان است، استفاده از مجازات جهت مقابله با نقض ارزش‌های مورد احترام عموم مردم باید به عنوان آخرین راه حل مورد استفاده قرار گیرد. تاثیرگذاری جرم‌شناسی واکنش اجتماعی بر حقوق کیفری ایران، به دلیل توجه به جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و انسانی برخورد با مجرمین، موفقیت‌آمیز بوده و تأثیرات مثبت زیادی داشته است. این رویکرد نه تنها به بهبود فرآیندهای قضایی کمک کرده، بلکه به تقویت عدالت و کاهش برخی از ناکارآمدی‌های سابق نیز کمک نموده است. از جمله تأثیرات مهم می‌توان به افزایش تعداد و کیفیت توافقات خارج از دادگاه، کاهش بار قضایی، افزایش اعتماد عمومی به سیستم قضایی، و حفظ حقوق متهمان اشاره کرد.

جرم‌شناسی واکنش اجتماعی به بررسی عمیق‌تر تأثیرات تعاملات اجتماعی و فرهنگی بر مجرمین می‌پردازد و سعی دارد تا با تحلیل این عوامل، به نحوه پیشگیری از جرم و جنایت کمک کند.

سیاست جنایی مبتنی بر نظریه واکنش اجتماعی به طور غالب بر تحدید دامنۀ مداخلۀ نظام عدالت کیفری و توسل به تسامح بیشتر در برابر جرم تأکید دارد. این بدان معناست که در این رویکرد، تمرکز بیشتر بر پیشگیری از جرم و ترکیب راهکارهای مختلف برای کاهش جرم‌ها و جنایات است و نه فقط بر مجازات فرد بعد از ارتکاب جرم. تحقیق حاضر نشان داد که مهم‌ترین ره‌آورد جرم‌شناسی واکنش اجتماعی برای حقوق کیفری ایران، پیش‌بینی نهادهایی مانند ترک تعقیب، بایگانی پرونده، تعلیق تعقیب، ارجاع به میانجی‌گر یا شورای حل اختلاف، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت و عفو عمومی در راستای جلوگیری از برچسب‌زنی در جرایم سبک‌تر می‌باشد. همچنین بزه‌پوشی، گذشت، اصلاح ذات‌البین، پذیرش توبه حتی در جرایم سنگین نظیر حدود و عفو از جمله

آموزه‌های فقهی‌ای می‌باشد که حقوق کیفری ایران با الگوبرداری از آن‌ها، در مسیر اصلاح مجرمین و پیشگیری از انگ‌زنی و تکرار جرم گام برداشته است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، بنیاد حقوقی میزان، جلد سوم، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۹.
- الحرالعاملی، محمد، وسائل الشیعه‌الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت: در احیاء التراث العربی، جلد ۱۳، بی‌تا.
- جزائری، سید نعمت‌الله، قصص الأنبياء (قصص قرآن)، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، انتشارات فرحان، جلد اول، ۱۳۸۱.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، جامعه‌شناسی جنایی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ پنجم، ۱۳۹۷.
- الحرانی، ابن شعبه، تحف العقول، بقم المشرفة، مؤسسه النشر الاسلامی (التابعه) لجماعة المدرسين، ۱۳۶۳.
- حسن‌نژاد عمرانی، رضا، اصول و مبانی احکام بر قرار ترک تعقیب در حقوق کیفری ایران، فصلنامه علمی حقوق و مطالعات نوین، دوره ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۵، تابستان ۱۴۰۳.
- خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر پژوهشگر حقوقی شهر دانش، جلد اول، چاپ چهل و ششم، ۱۴۰۱.
- ربیع، علیرضا، گذشت شاکی و آثار آن در حقوق کیفری ایران، دوفصلنامه تحقیقات حقوق قضایی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۰.
- ساداتی، سید محمد مهدی و ساداتی، سید محمدجواد و محمدی کراچی، بابک، میانجیگری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال چهاردهم، شماره چهل و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
- سایبانی، علیرضا و صادقی، مهران و صادقی، صادق و نذافت، جابر، مبانی حقوقی و جرم‌شناختی نهاد تعلیق تعقیب در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوقی و فقه، دوره دوم، شماره ۴/۱، زمستان ۱۳۹۵.
- طباطبائی، محمدحسین؛ میزان فی تفسیر القرآن، قم المقدسه، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة، جلد ۹، بی‌تا.
- طوسی، محمدبن حسن، الامالی، قم، ناشر دار الثقافة، ۱۳۷۲.
- غیور باغانی، سید علی و صابری، حسین، بررسی تطبیقی دو قاعده جب و عفو عمومی از منظر فقه و حقوق، نشریه فقه اصول، سال چهل و هفتم، شماره ۱۰۰، بهار ۱۳۹۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، البیروت، دارالتعارف للمطبوعات، المجلد ۲، ۱۳۶۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و شادمان فر، محمدرضا و توجهی، عبدالعلی، اصلاح ذات‌البین و نظریه عدالت ترمیمی، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، ۱۳۸۷، شماره ۳ (پیاپی ۵۸).

نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

نجفی توانا، علی، جرم‌شناسی، مشهد، انتشارات آوای حکمت، چاپ دوم، ۱۴۰۰.

ولد، جرج و برناد، توماس و اسنیپس، جفری، جرم‌شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، تهران، نشر سمت، چاپ پنجم، ۱۳۹۱.

هاشمیان، عطاالله و لركجورى، عاطفه و محمودى، اميررضا و قدرتى سياهمزگى، طيبيه، تعليق اجراى مجازات در اصلاح مجرمان و بازدارندگى از جرم، نشریه حقوق و مطالعات سیاسى، شماره ۱۴، تابستان ۱۴۰۳.